Criticism of Quranic Translations in the Light of Contextual Reflections, the Status of Revelation, and the compatibility of verses (Case Study: The Opening Verses of Surah Abas, the Verse of Tathir, the Verse of Ekmal Din)

Elahe Hadian Rasnani[1]

Abstract

One of the issues of concern to commentators and Quran scholars is the apparent inconsistency of some verses of the Quran with each other or with the principles of belief, which has sometimes caused doubts from opponents. Among these verses are the opening verses of Surah Abas, the verse of Tathir, and the verse of Ekmal Din. The opening verses of Surah Abas, based on the famous order of revelation, are considered to be problematic verses in the field of the infallibility of the prophets, and the verse of purification and the verse of Ekmal Din are also considered to be among the most difficult verses in discovering the aspect of proportion with their predecessors and successors, so that some commentators have avoided explaining their proportion or have put forward theories such as the objection of parts of the verse, the ijtihad of the companions in collecting the verses, or even the hypothesis of the verses being moved by the opponents of the Ahl al-Bayt (a.s.). This is while many of these interpretive challenges can be overcome by reflecting on the context of the verses, analyzing the precise order of revelation, and paying attention to some literary devices such as digression. However, the reflection of these analyses in Persian translations of the Quran is very small. The aim of this research is to critically examine the most important Persian translations of the Quran in light of contextual reflections, order of revelation, and the appropriateness of the verses. The method of this research is descriptive-analytical with a comparative approach between Persian translations and commentaries.

Keywords: Context, compatibility of verses, Surah Abas, verse of Tathir, the Verse of Ekmal Din, Quran translations.

1. Associate Professor, Quran Department, University of Quran and Hadith, Tehran
Email: hadian.e@hadith.ir

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»
سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

نقد ترجمه‌های قرآن در پرتو تأملات سیاقی، شأن نزول و تناسب آیات (بررسی موردی: آیات ابتدایی سوره عبس، آیه تطهیر، آیه اکمال دین)

الهه هادیان رسنانی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۵/۲۰)

چکیده

یکی از مسائل مورد توجه مفسران و قرآن‌پژوهان، پرداختن به ناهمگونی ظاهری برخی آیات قرآن با یکدیگر یا با اصول اعتقادی است که گاه موجب بروز شبهاتی از سوی مخالفان شده است. از جمله این آیات، آیات ابتدایی سوره عبس، آیه تطهیر و آیه اکمال دین است. آیات ابتدایی سوره عبس، بر اساس شأن نزول مشهور، از آیات مشکله در حوزه عصمت انبیاء به شمار می‌رود و آیه تطهیر و آیه اکمال دین نیز از دشوارترین آیات در کشف وجه تناسب با صدر و ذیل خود محسوب می‌شوند، به‌گونه‌ای که برخی مفسران از تبیین تناسب آنها پرهیز کرده یا نظریاتی چون معترضه بودن بخش‌هایی از آیه، اجتهاد صحابه در جمع‌آوری آیات، یا حتی فرضیه جابجایی آیات توسط معاندین اهل‌بیت علیهم السلام را مطرح کرده‌اند. این در حالی است که با تأمل در سیاق آیات، تحلیل دقیق شأن نزول و توجه به برخی آرایه‌های ادبی مانند استطراد، می‌توان بسیاری از این چالش‌های تفسیری را برطرف کرد. با این حال، بازتاب این تحلیل‌ها در ترجمه‌های فارسی قرآن بسیار اندک است. هدف این پژوهش، بررسی انتقادی مهم‌ترین ترجمه‌های فارسی قرآن در پرتو تأملات سیاقی، شأن نزول و تناسب آیات است. روش این تحقیق توصیفی ـ تحلیلی و با رویکرد مقایسه‌ای میان ترجمه‌های فارسی و تفاسیر است.

واژگان کلیدی: سیاق، تناسب آیات، سوره عبس، آیه تطهیر، آیه اکمال دین، ترجمه‌های قرآن.

---

۱. دانشیار گروه قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران
رایانامه: hadian.e@hadith.ir

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

مقدمه

یکی از راهبردهای مهم در رفع ناسازگاری ظاهری در بسیاری از آیات قرآن کریم، توجه به سیاق، شأن نزول و تناسب آیات با صدر و ذیل خویش است. در این میان، دو آیه تطهیر و اکمال دین به نظر می‌رسد از دشوارترین آیات نزد مفسران در کشف وجه ارتباط با قبل و بعد خود بوده‌اند. برخی از دیدگاه‌های مفسران، مانند فرضیه جابجایی این آیات توسط معاندین اهل‌بیت علیهم السلام، نه تنها راه حل مناسبی ارائه نمی‌دهند، بلکه قداست قرآن کریم را نیز زیر سؤال می‌برند.

توجه دقیق به سیاق آیات، به ویژه سیاق‌های اصلی و هدف محوری سوره‌ها و نیز تأمل در برخی آرایه‌های ادبی- بلاغی مانند آرایه استطراد، می‌تواند بسیاری از این ناسازگاری‌های ظاهری میان آیات یا میان آیات و اصول اعتقادی را برطرف نماید. برای نمونه، درباره سوره عبس که آیات ابتدایی آن در نگاه بسیاری از مفسران از آیات مشکله در حوزه عصمت انبیاء شمرده می‌شود، بررسی دقیق سیاق سوره راهگشای حل این ناسازگاری است.

بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن نشان می‌دهد که این ترجمه‌ها معمولاً تحت تأثیر فضای تفاسیر سنتی بوده و غالباً به بحث تناسب این آیات نپرداخته‌اند. در مواردی مانند آیات ابتدایی سوره عبس، ترجمه‌ها به دلیل تأثیرپذیری از شأن نزول مشهور و بی‌توجهی به سیاق آیات، گاه ترجمه‌ای ارائه داده‌اند که با اصل عصمت در تعارض است.

در این پژوهش، با تأمل در سه سیاق مطرح در آیات تطهیر، اکمال دین و آیات ابتدایی سوره عبس، تلاش شده است ضمن نقد ترجمه‌های قرآن کریم، ترجمه‌ای متناسب با سیاق، شأن نزول و مبانی اعتقادی پیشنهاد شود.

بر این اساس، پرسش‌هایی که در این پژوهش در پی پاسخ به آنها هستیم، عبارت‌اند از:

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

در برخی آیات قرآن کریم مانند آیات تطهیر، اکمال دین و یا آیات ابتدایی سوره عبس، ناهمگونی ظاهری آیات با یکدیگر و یا با برخی اصول اعتقادی چگونه قابل رفع است؟

این آیات چه تناسب و هماهنگی‌ای می‌توانند با صدر و ذیل خود و یا در برخی موارد با کل سیاق سوره داشته باشند؟

و در نهایت، دقت در سیاق این آیات چگونه می‌تواند به رفع این ناهمگونی‌های ظاهری کمک کند؟

پیشینه

علاوه بر مباحث تفسیری مطرح‌شده ذیل آیات تطهیر، اکمال دین و آیات ابتدایی سوره عبس در منابع تفسیری، پژوهش‌های متعددی نیز به صورت مستقل درباره این آیات صورت گرفته است. این پژوهش‌ها اغلب با هدف تحلیل محتوایی آیات، بررسی دیدگاه‌های مفسران فریقین و پاسخ به شبهات تفسیری یا اعتقادی نگاشته شده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

– جلالی، ۱۳۹۸، نقد و بررسی شبهه وحدت سیاق در آیه تطهیر. تفسیر پژوهی، ۱۲.

– عطایی و دیگران. ۱۳۹۹، نویافته‌ای در تحلیل اراده الهی در آیه تطهیر با بهره‌گیری از سیاق آیات و روایات در تطبیق منابع فریقین، مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ۱٤.

– اسماعیلی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳، نقش سیاق در تفسیر آیه اکمال، فصلنامه حسنا، ۲۳.

– رحمان ستایش و دیگران، ۱٤۰۱، بررسی تفسیری آیه اکمال با تکیه بر ارزیابی دیدگاه ناسازگاری سیاقی، مطالعات تفسیری، ۵۰.

– ورمزیار، ۱٤۰۰، واکاوی چالش کلامی و اخلاقی تفسیر آیات ۱—۱۰ سوره عبس از نگاه فریقین. مطالعات علوم قرآن، ۸.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

– محسنی، ۱۳۹۳، تحلیل دیدگاه تفسیری فریقین در خصوص آیات آغازین سوره عبس، مطالعات تفسیری قرآن و حدیث، ۳.

با وجود ارزشمندی این پژوهش‌ها، آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌سازد، تلفیق سه مؤلفه‌ی سیاق، شأن نزول و تناسب آیات در تحلیل تفسیری و کاربست این تحلیل در نقد علمی ترجمه‌های فارسی قرآن است. در واقع، پژوهش حاضر علاوه بر بررسی مباحث تفسیری و محتوایی آیات یادشده، تلاش کرده است تا ترجمه‌های موجود را بر پایه تحلیل سیاقی، بررسی کرده و ترجمه‌ای متناسب با بافت، ساختار و هدف آیات پیشنهاد دهد. چنین رویکردی که نقد ترجمه را با تحلیل تفسیری مبتنی بر سیاق و شأن نزول تلفیق کند، در پژوهش‌های پیشین سابقه نداشته یا به صورت جزئی و غیر منسجم مطرح شده است.

۱. سیاق آیات ابتدایی سوره عبس با توجه به شأن نزول سوره

سوره عبس با آیاتی آغاز می‌شود که در ظاهر، نوعی عتاب یا توبیخ را در خود دارد:

عَبَسَ وَ تَوَلَّی (۱) أَنْ جاءَهُ الْأَعْمی (۲) وَ ما یُدْریک لَعَلَّهُ یَزَّکَّی (۳) أَوْ یَذَّکَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّکْری (۴) اما مَنِ اسْتَغْنی (۵) فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّی (۶) وَ ما عَلَیْک أَلاَّ یَزَّکَّی (۷) وَ اما مَنْ جاءَک یَسْعی (۸) وَ هُوَ یَخْشی (۹) فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّی (۱۰) کَلاَّ إِنَّها تَذْکِرَةٌ (۱۱) فَمَنْ شاءَ ذَکَرَهُ (۱۲)

درباره شأن نزول و تفسیر آیات ابتدایی سوره عبس، اختلاف شدیدی میان مفسران است. بسیاری از مفسران به ویژه مفسران اهل سنّت، شأن نزول آیات شریفه را درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته‌اند که در هنگام مذاکره با برخی بزرگان قریش و دعوت آنها به آیین اسلام، نسبت به عبدالله بن امّ مکتوم، که از ایشان درخواست تلاوت برخی آیات قرآن را می‌کرد، بی‌اعتنایی کرد و چهره در هم کشید؛ زیرا می‌ترسید که این بی‌ادبی عبدالله، موجب بی‌اثر شدن مذاکرات در

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

دعوت کفار به دین اسلام شود (واحدی، ۱۴۱۱، ۴۷۱-۴۷۲). نادرستی این شأن نزول به جهت منافات داشتن آن با اصل عصمت رسول خدا صلی الله علیه و آله روشن است.

برخی دیگر از مفسران، دست به توجیه زده و عمل آن حضرت را ترک اولی دانسته‌اند (حقی برسوی، بی‌تا، ۳۳۱/۱۰).

گروه دیگری از مفسران عمدتاً شیعی بر اساس برخی روایات اهل‌بیت علیهم السلام، شأن نزول دیگری را برای آیات شریفه ذکر کرده‌اند و عتاب آیات را متوجه فردی از بنی‌امیه می‌دانند که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود و با مشاهده درخواست‌های پی‌درپی عبدالله بن امّ‌مکتوم، چهره در هم کشید (از جمله ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۶۶۴/۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۰۴/۲۰-۲۰۳).

در کنار این تفاسیر، تفسیر دیگری که کمتر بدان پرداخته شده این است که ظاهراً در آیات نخستین سوره عبس، سخن از دو واقعه است، نه یک واقعه؛ در یک واقعه، کسی -که نامش در این آیات ذکر نشده است- از یک نابینا روی گردانده و چهره در هم کشیده است؛ و در واقعه دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله که مشغول صحبت با شخص ثروتمندی بوده است، متوجّه آمدن شخصی باایمان -که شتابان به نزد آن حضرت می‌آمده- نشده است؛ زیرا توجه آن حضرت، به جای دیگری بوده و متوجه نشد که شخصی با ایمان نزد ایشان آمده است. قرینه چنین تفسیری، دو فعل «تَوَلَّی» (آیه ۱) و «تَلَهَّی» (آیه ۱۰) به کار برده شده در آیات است که غالباً مفسران نسبت به تفاوت این دو فعل در آیات توجه نکرده‌اند.

توضیح آنکه: از سیاق آیات ابتدایی این سوره روشن می‌شود که کسی که نسبت به او «تَوَلّی» (روگردانی) شده است و کسی که نسبت به او «تَلَهّی» (بی‌توجهی) صورت گرفته است، دو تن بوده‌اند، نه یک تن؛ و دلیل این مطلب آن است که کسی که نسبت به او «تَوَلّی» صورت گرفته، نابینا بوده است؛ ولی کسی که نسبت به او «تَلَهّی» صورت گرفته، نابینا نبوده است؛ زیرا درباره او فعل «یَسْعی» (تند می‌آمد)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

به کار رفته است؛ درحالی‌که افراد نابینا با احتیاط راه می‌روند و نه تند. بر اساس این قرینه، روشن می‌شود: آیات اول تا چهارم سوره، عتابِ کسی است که از درخواست پی‌درپی شخصی نابینا در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله، چهره در هم کشید و از او روی گردانید که این شخص قطعاً رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده است؛ و در آیات پنجم تا دهم –که خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله بدون عتاب است– گزارش شخص دیگری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او اهتمام ورزید تا وی را دعوت کند ولی او خود را از ارشاد و موعظه پیامبر صلی الله علیه و آله بی‌نیاز می‌دید و آن جناب به سبب شدّت اهتمام به دعوتِ وی، متوجه شخص دیگری نشد که شتابان نزد ایشان می‌آمد (درباره این تفسیر ر.ک: مستفید، ۱۳۹۰، ۳۷۹).

۱-۱. نگاهی به ترجمه‌های قرآن درباره سیاق آیات ابتدایی سوره عبس

بیشتر ترجمه‌های قرآن تحت تأثیر فضای تفاسیر و شأن نزول مشهور، عتاب ظاهری آیات ابتدایی سوره عبس را بدون قید مرجع ضمیر و یا خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله با اندکی اختلاف در تعبیر الفاظ، این‌گونه ترجمه کرده‌اند:

چهره در هم کشید و روی برتافت * از این‌که آن مرد نابینا نزد او آمد! (برای نمونه ر.ک: ترجمه‌های آیتی، آدینه وند، الهی قمشه‌ای، ارفع، انصاریان، پاینده، پورجوادی، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مکارم)

حتی در ترجمه صفوی که بر اساس المیزان است؛ دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی (ره) لحاظ نشده و ترجمه آیات شریفه بسان دیگر ترجمه‌های قرآن ارائه شده است.

در میان ترجمه‌های قرآن، تنها ترجمه‌های آیت‌الله مشکینی و نیز ترجمه صادقی تهرانی (در ترجمان فرقان) و ترجمه یاسری، بر اساس شأن نزول مطرح در روایات

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

تفسیری شیعی، عتاب آیات شریفه را متوجه فردی از بنی‌امیه دانسته‌اند؛ منتها اشکال این ترجمه‌ها نیز آن است که سیاق آیات ابتدایی سوره تا آیه بیست را تفکیک نکرده و ظاهراً سیاق آیات بیست‌گانه نخست را بیانگر یک واقعه در عتاب همان شخص اُمَوی دانسته‌اند که نسبت به عبدالله بن مکتوم روی ترش کرد (ر.ک: ترجمان فرقان، ترجمه آیت‌الله مشکینی، ترجمه یاسری). چنانکه در ترجمان فرقان، در نکات تفسیری بیان‌شده توسط مترجم، بر این نکته نیز تأکید شده است که در هر صورت این شخص روی‌گرداننده، چه عثمان و چه غیر عثمان، شخصی بسیار بی‌ادب و بی‌ایمان بوده است که بیست آیه از این سوره در سرزنش او وارد شده و حال آنکه صدها آیه حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به بالاترین مقام عصمت و پاکی توصیف کرده است. نویسنده آنگاه نتیجه می‌گیرد که پس این آیات نمی‌تواند خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ۴۰۶).

۱-۲. ترجمه پیشنهادی بر اساس تفسیر مختار

[شخصی از بنی‌امیه در محضر پیامبر، نسبت به یک شخص نابینا]، چهره در هم کشید و روی گردانید (۱).

بدان سبب که آن شخص نابینا نزد او آمد (۲).

و تو [ای مرد اُمَوی!] چه می‌دانی؟! شاید که او [در پرتو تعالیم الهی]، در پیِ پاک شدن و رشد [از راه ایمان و عمل صالح] باشد (۳).

یا این‌که متذکّر [سخن حق] شود؛ و این تذکّر و یادآوری، برای او سودمند باشد (۴).

اما [تو ای پیامبر! درباره] آن شخص [دیگری] که [مشغول دعوت او هستی، درحالی‌که او] خود را [از ارشاد و موعظه تو] بی‌نیاز می‌پندارد (۵).

تو به او روی می‌آوری [و به او می‌پردازی] (۶).

درحالی‌که بر تو [مسئولیتی] نیست که او پاکی نپذیرد [و ایمان نیاورد] (۷).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

و اما آن کس که شتابان نزد تو آمد [تا معارف دین را فراگیرد] (۸).

درحالی‌که [از عظمت و جلال پروردگارش و نقصان خود و قصور بندگی‌اش در برابر او]، بیم دارد * (۹).

تو [در اثر پرداختن به آن شخص دیگر]، متوجّه او نمی‌شوی (۱۰).

نه، این‌چنین نباید باشد؛ [این کسانی را که نمی‌خواهند به سوی دین بیایند، رهایشان کن]؛ زیرا این [آیات قرآن] قطعاً خود، یادآوری و پند است (۱۱).

پس هر کس [خودش] بخواهد پند می‌گیرد [و به زور نمی‌توان قلب کسی را مجبور به پذیرش دین کرد]** (۱۲).

بنابراین، از سیاق آیات ۱ تا ۱۰ سوره عبس برمی‌آید که این آیات دارای دو سیاق مستقل‌اند: در بخش نخست (آیات ۱ تا ٤)، عتاب متوجه فردی اموی است که در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله، در برابر درخواست‌های پی‌درپی فردی نابینا از آن حضرت، چهره در هم کشید و از او روی گرداند و در بخش دوم (آیات ۵ تا ۱۰)، از فرد دیگری سخن به میان آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت او اهتمام داشت، اما او خود را از دریافت موعظه بی‌نیاز می‌پنداشت و در نتیجه، آن حضرت به سبب شدت اهتمام به دعوت وی، متوجه فردی نشد که شتابان نزد ایشان می‌آمد؛ بر این اساس، روشن می‌شود که این آیات دارای دو سیاق جداگانه‌اند و هر یک ناظر به وضعیتی مستقل است.

۲. آیه «تطهیر»

آیه ۳۳ سوره احزاب معروف به آیه تطهیر است. صدر این آیه شریفه، خطاب به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و لزوم تحفّظ آنان بر دستورات شرعی است: «وَ قَرْنَ فی بُیُوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّةِ الْأُولی وَ أَقِمْنَ الصَّلاةَ وَ آتینَ الزَّکاةَ وَ أَطِعْنَ اللهَ وَ رَسُولَهُ»، در ادامه آیه شریفه می‌فرماید: «إِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً» (احزاب، ۳۳).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

آن گاه در آیه بعد، باز توصیه‌هایی را نسبت به همسران پیامبر درباره لزوم یاد خدا می‌فرماید: «وَ اذْكُرْنَ ما يُتْلى فى بُيُوتِكُنَّ مِنْ آياتِ اللهِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ اللهَ كانَ لَطيفاً خَبيراً» (احزاب، ۳۴).

در وجه تناسب فراز پایانی آیه ۳۳ و ارتباط آن با صدر و ذیل آن، مباحث تفسیری متعددی مطرح شده است؛ این بحث به ویژه در میان مفسرانی که اعتقاد به توقیفی بودن جمع قرآن و وحیانی بودن ترتیب آیات در سوره‌ها دارند، حساسیت بیشتری ایجاد کرده است؛ زیرا در میان مفسرانی که بحث اجتهادی بودن ترتیب آیات در سوره‌ها یا اجتهادی بودن جمع قرآن پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط صحابه را مطرح می‌کنند، طبعاً مناسبتی نیز میان آیات در سوره‌ها مطرح نیست.

البته بسیاری از مفسران اهل سنت با توجه به دلالت صدر و ذیل آیه بر همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله، این فراز آیه شریفه را نیز در خصوص همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته و یا دست‌کم همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز از مصادیق این بخش آیه شریفه برشمرده‌اند؛ این در حالی است که شواهدی چند در آیه شریفه بیانگر این است که آیه تطهیر نمی‌تواند شامل زنان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که ازجمله این شواهد می‌توان به تغییر ضمایر از مؤنّث به مذکر و شأن نزول آیه شریفه اشاره کرد و نیز دلالت آیه شریفه بر عصمت و تطهیر مطلق اهل‌بیت علیهم السلام و منافات آن با مذمت و سرزنش برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در دیگر آیات قرآن مانند سوره تحریم و شواهد و ادلّه دیگر (درباره این شواهد و ادله رک طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۶۰/۸–۵۵۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۱۱/۱۶–۳۰۹).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۲-۱. برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌های مفسران در وجه تناسب آیه «تطهیر» با صدر و ذیل خود

با توجه به نکات بیان‌شده درباره عدم دلالت آیه تطهیر بر همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله، مفسران شیعه وجوهی را درباره تناسب آیه شریفه با صدر و ذیل خود بیان داشته‌اند:

۱- در بسیاری از تفاسیر به ویژه تفاسیر روایی، اشاره‌ای به تناسب آیه شریفه با صدر و ذیل آن نشده است.

۲- مفسرانی که قائل به اجتهادی بودن جمع آیات در سوره‌ها هستند، تعیین جایگاه این آیه را در زمان بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط صحابه می‌دانند؛ برای نمونه، در تفسیر «اطیب البیان»، مفسر معتقد است که ترتیب این آیه شریفه را همچون آیه اکمال دین، معاندین و دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام بر هم زدند و این جا قرار داده‌اند تا به ظاهر درباره همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله به نظر برسد (ر.ک: طیب، ۱۳۶۹، ۵۰۲/۱۰-۵۰۱؛ و نیز همان ذیل آیه سوم سوره مائده: ۲۹۶/۴-۲۹۵).

علامه مجلسی نیز در کتاب «بحارالانوار» می‌گوید: «بر اساس روایات فریقین، ترتیب فعلی آیات قرآن کریم، توسط معصوم علیه السلام صورت نگرفته تا اشتباهی در آن راه نیافته باشد؛ و چه‌بسا درباره آیه تطهیر نیز به جهت برخی مصالح دنیوی، [در هنگام جمع قرآن پس از رحلت رسول خدا] در این جایگاه قرار داده باشند؛ درحالی‌که بر اساس اخبار، ارتباطی با قبل و بعد خود ندارد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳۴/۳۵).

۳- علامه طباطبایی (ره) در کتاب «قرآن در اسلام» تصریح می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آموزش، حفظ و ضبط قرآن نهایت اهتمام را داشت و پس از هجرت، این روش منظم‌تر و متشکل‌تر گردید. به دستور پیامبر، گروهی از

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

اصحاب، مأمور قرائت و تعلیم احکام اسلامی شدند و حتی برخی افراد، طبق آیه ۱۲۲ سوره توبه از شرکت در جنگ نیز معاف بودند. این گروه، آیات قرآن را بر موادی چون لوح، استخوان شانه شتر و شاخه خرما می‌نوشتند. به اعتقاد علامه، سوره‌های قرآن تا پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان رایج بوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ۱٤٦–۱٤۷)، ولی جمع کامل قرآن به صورت مصحف، نخستین بار پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط امام علی علیه السلام و به ترتیب نزول انجام شد (همان، ۱٤۷).

حاصل دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در «المیزان» و کتاب «قرآن در اسلام» بیانگر این است که ایشان جمع‌آوری قرآن را در سه مرحله می‌داند:

جمع نخست: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله که همه آیات قرآن کریم نوشته و گردآوری شد و بر اساس روایات، بسیاری از سوره‌های قرآن در نمازهای یومیه خوانده می‌شد و باز بر اساس روایات، هر آیه‌ای که نازل می‌شد رسول خدا صلی الله علیه و آله به فرمان وحی، دستور می‌داد که آن را در جای خاصی قرار دهند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲۴/۱۲– ۱۲۵).

جمع دوم: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله که مرحله جمع در مصحف است و نخستین مرتبه توسط امیرالمؤمنین علیه السلام صورت گرفت (طباطبایی، ۱۳۸۸، ۱٤۷).

جمع سوم: توحید مصاحف در زمان عثمان (همان، ۱۴۸– ۱۴۹).

از مجموع مباحث تفسیری علامه طباطبایی (ره) در تفسیر «المیزان» و کتاب «قرآن در اسلام» و نیز روش عملی ایشان در تفسیر روشن می‌شود که ایشان اعتقاد به توقیفی بودن جمع آیات در سوره‌ها و به عبارتی، وحیانی بودن ترتیب آیات در سوره‌ها دارند؛ ولی مشخص نیست که ایشان بر اساس چه مبنایی تنها در ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر) و آیه ۳ سوره مائده (اکمال دین)، احتمال داده که این دو آیه شریفه در زمان گردآوری قرآن توسط صحابه به این شکل در این جا قرار

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

داده شده است! (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۱۱/۱۶– ۳۱۲) و شاهد بر این مدعا را این چنین می‌داند که حذف آن از میان کلام، تأثیری در عدم انسجام کلام ندارد. سخن علامه درباره آیه شریفه چنین است:

«آیه موردبحث از جهت نزول جزو آیات مربوط به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و متصل به آن نیست؛ حال یا این است که این آیه را به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنبال آن آیات قرار داده‌اند و یا بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، اصحاب در هنگام تألیف آیات قرآنی در آنجا نوشته‌اند و مؤید این احتمال این است که اگر آیه تطهیر (إِنَّما یُرِیدُ الله ...) که جزء آیه «وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ» است، از آن حذف شود، آیه «وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ» با آیه بعد، کمال اتصال و انسجام را دارد و اتصالش به هم نمی‌خورد؛ چنان‌که درباره آیه اکمال دین نیز چنین است» (همان، ۳۱۲).

٤– برخی مفسران نیز این بخش آیه شریفه را جمله معترضه دانسته‌اند؛ چنان‌که مرحوم طبرسی این روش را شیوه و عادت فصیحان عرب می‌داند که در کلامشان از خطاب به غایب و یا برعکس می‌روند و در قرآن کریم نیز از این شیوه بسیار است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۶۰/۸).

سخن مرحوم طبرسی در واقع اشاره به همان معترضه بودن این بخش آیه شریفه و نیز صنعت التفات (تغییر خطابات کلام) است که در سخن و اشعار عرب فراوان دیده می‌شود.

۵– به نظر می‌رسد بهترین وجهی که در این باره بیان شده است، وجه تناسب قابل توجهی است که در «تفسیر نمونه» آمده است و آن اینکه: آیه شریفه، تعریضی نسبت به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله است مبنی بر اینکه شما همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان خاندان عصمت و طهارت قرار گرفته‌اید؛ پس باید مراقب اعمال و رفتار خود باشید و بدانید که این جایگاه برای شما مسئولیت آور و وظیفه ساز است؛ پس از خدا و رسولش و جانشینان بعد از او اطاعت کنید.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

صاحب تفسیر نمونه در پاسخ به این سؤال که: چگونه در لابه‌لای بحث از وظایف زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مطلبی گفته شده است که شامل زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌شود، پس از بیان دیدگاه مرحوم طبرسی و علامه طباطبایی، پاسخ سوم را چنین بیان می‌کند:

«پاسخ سومی که می‌توان از سؤال داد این است که قرآن می‌خواهد به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بگوید: شما در میان خانواده‌ای قرار دارید که گروهی از آنان معصوم‌اند، کسی که در زیر سایه درخت عصمت و در کانون معصومان قرار گرفته، سزاوار است که بیش از دیگران مراقب خود باشد و فراموش نکند که انتساب او به خانواده‌ای که پنج معصوم پاک در آن است مسئولیت‌های سنگینی برای او ایجاد می‌کند و خدا و خلق خدا، انتظارات فراوانی از او دارند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۹۵/۱۷-۲۹۴).

این تفسیر در واقع، اشاره به همان آرایه ادبی استطراد در علم بلاغت است.

استطراد عبارت است از خروج از یک معنا و ورود به معنایی در خور توجه اصلی ولی در ظاهر بی‌ارتباط –و در واقع مرتبط– که با بازگشتی دوباره به معنای اول شکل می‌گیرد. این فن یکی از آرایه‌های نقش‌آفرین در تفسیر است و موجب می‌شود عبارت استطرادی نسبت به ماقبل و مابعد خود، از هویتی مستقل برخوردار بوده و ضمن یافتن هویتی مستقل، در چارچوب کلی آیه یا سوره، به دلیل وحدت موضوعی با آنها، ارتباط درونی خود را حفظ نموده و در نقطه اوج کلام استقرار یابد (اقبال و دبونی، ۱۳۹۸، ۲۸۳-۲۴۵).

در میان تفاسیر، تعداد محدودی از تفاسیر، آیه شریفه را تعریض نسبت به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته‌اند.

نکته مهمی را که در این باره باید بدان توجه داشت این است که به تعبیر سید جعفر مرتضی عاملی، وحدت سیاق، مستلزم وحدت موضوع و حکم نیست؛ زیرا ممکن است شیوه بیان ایجاب کند که گوینده بعضی از جنبه‌های دیگر مسئله مورد

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

نظر را هم اگرچه از نظر طبیعت و ماهیت با آن اختلاف داشته باشد، بیان کند (حسینی عاملی، ۱۳۹۶، ۹۲-۹۳). سید جعفر مرتضی سپس به روایتی از امام باقر علیه السلام استناد می‌کند (ر.ک: همان) که فرمودند: «لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ إِنَّ الْآيَةَ لَتَكُونُ أَوَّلُهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ وَ هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ يُتَصَرَّفُ عَلَى وُجُوه؛ هیچ‌چیزی مانند قرآن، از عقل و قیاس انسان به دور نیست؛ چه آنکه اول یک آیه درباره چیزی است و آخر آن درباره چیز دیگر و سخن متصلی است که قابل تصرف به چندین وجه است» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱۲/۱). نظیر این روایت با اندکی تفاوت از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است و آنچه در این میان جلب توجه می‌کند، مثالی است که ائمه علیهم السلام در این باره بیان فرموده‌اند که همان آیه تطهیر است: «لیس شيء أبعد من عقول الرجال من تفسير القرآن، إن الآية ينزل أولها في شيء و أوسطها في شيء و آخرها في شيء، ثم قال: «إِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱۷/۱).

نتیجه آنکه درباره آیه تطهیر، با بهره‌گیری از آرایه استطراد که مورد تائید برخی روایات نیز هست، موضوع وحدت سیاق در عین تعدد موضوع و حکم در آیه شریفه و تناسب آیه شریفه با ماقبل و مابعد خود روشن می‌شود. به عبارتی، آیه شریفه ضمن استقلال در هویت و معنا، ارتباط با ماقبل و مابعد خود دارد و در نقطه اوج آیات سوره نیز استقرار یافته است و در ارتباط با ماقبل و مابعد خود نیز هشدار و تعریضی است نسبت به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله. در واقع، قرآن کریم می‌خواهد به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بگوید شما در میان خانواده‌ای قرار دارید که گروهی از آنان معصوم‌اند، کسی که در زیر درخت عصمت و در کانون معصومان قرار گرفته، سزاوار است که بیش از دیگران مراقب خود باشد و فراموش نکند که انتساب او به خانواده‌ای که پنج معصوم پاک در آن است، مسئولیت‌های سنگینی برای او ایجاب می‌کند و خدا و خلق خدا، انتظارات فراوانی از او دارند.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۲-۲. نگاهی به برخی ترجمه‌های قرآن درباره آیه «تطهیر»

نکته قابل‌توجه درباره ترجمه‌های قرآن این است که هیچ یک از ترجمه‌های قرآن –حتی ترجمه آیت الله مکارم در تفسیر نمونه– آیه شریفه را بر اساس نکات تفسیری بیان‌شده در خصوص تناسب آیه، ترجمه نکرده‌اند (ازجمله ر.ک: ترجمه‌های مکارم، مشکینی، انصاریان، فولادوند و دیگران).

برخی ترجمه‌ها مانند ترجمه کاویانپور و ارفع، نیز ظاهراً برای نشان دادن معترضه بودن این بخش آیه شریفه، ترجمه آن را در گیومه قرار داده‌اند.

۲-۳. ترجمه پیشنهادی بر اساس مفهوم تفسیری مختار

و [ای همسران پیامبر!] در خانه‌های خویش بمانید و مانند روزگار جاهلیت نخستین، [با زینت‌های آشکار برای خودنمایی، در میان مردم]، نمایان نشوید و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسولش اطاعت کنید. [ای همسران پیامبر! شما در میان خانواده‌ای قرار دارید که معصوم‌اند و سزاوار است بیشتر از دیگران مراقب خود باشید و بدانید که انتساب شما به این خانواده و هم‌جواری شما در کنار آنها، برای شما فقط وظیفه‌ساز است و مسئولیت شما را زیادتر می‌کند]. [اما شما ای خاندانِ «اهل‌بیت» رسول خدا!] جز این نیست که خداوند [به اراده تکوینیِ خاص خود]، زدودنِ هرگونه آلودگی و ناپاکی را از شما «اهل‌بیتِ» [پیامبر] اراده کرده و شما را به صورت کامل و ویژه و در همه ابعاد پاک [و معصوم] داشته است (۳۳).

۳. آیه «اکمال دین»

درباره آیه شریفه اکمال دین (مائده، ۳) نیز صدر و ذیل این آیه شریفه درباره گوشت‌های حلال و حرام است و در این میان، محتوای بخشی از آیه، یأس کافران از نابودی دین اسلام و اکمال دین و اتمام نعمت و برگزیدن دین اسلام است که بر

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

اساس شأن نزول آیه شریفه، در جریان غدیر نازل شده و درباره نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به ولایت است.

درباره این آیه نیز مانند آیه تطهیر، وجوه متفاوتی درباره تناسب آیه با ماقبل و مابعد خود توسط مفسران بیان شده است؛ ازجمله معترضه بودن این بخش آیه شریفه (برای نمونه ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۴۶/۳؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ۶۱۱/۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ۳۰۲/۱۰) و دیگر وجوهی که درباره آیه تطهیر بیان گردید؛ و نیز مانند دیدگاه علامه طباطبایی (ره) مبنی بر احتمال قرار دادن این بخش آیه شریفه در جایگاه فعلی هنگام جمع قرآن (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶۸/۵-۱۶۷) و یا دیدگاه صاحب «اطیب البیان» مبنی بر برهم زدن ترتیب آیه توسط معاندین اهل بیت علیهم السلام (طیب، ۱۳۶۹، ۲۹۶/۴-۲۹۵).

«تفسیر نمونه» و «تفسیر نور»، این‌گونه جاسازی آیات در قرآن را برای حفظ قرآن کریم از دستبرد نااهلان دانسته‌اند:

«ممکن است قرار دادن آیه مربوط به غدیر در لابه‌لای احکام مربوط به غذاهای حلال و حرام، برای محافظت از تحریف و حذف و تغییر بوده باشد؛ زیرا بسیار می‌شود که برای محفوظ ماندن یک شیء نفیس، آن را با مطالب ساده‌ای می‌آمیزند تا کمتر جلب توجه نماید. حوادثی که در آخرین ساعات عمر پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شد و مخالفت صریحی که از طرف بعضی افراد برای نوشتن وصیت‌نامه از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله به عمل آمد تا آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله را (العیاذ بالله) متهم به هذیان‌گویی و بیماری! و گفتن سخنان ناموزون کردند و شرح آن که در کتب معروف اسلامی اعم از کتب اهل تسنن و شیعه نقل شده، شاهد گویایی است بر اینکه بعضی از افراد حساسیت خاصی در مسئله خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند و برای انکار آن حد و مرزی قائل نبودند!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۷۱/۴-۲۷۰).

در تفسیر نور آمده است:

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

«این‌گونه جاسازی‌ها، رمز حفظ قرآن از دستبرد نااهلان است. درست همان‌گونه که گاهی زنان هنگام خروج از خانه زیورآلات خود را در لابه‌لای پنبه‌های متکا قرار می‌دهند. با اینکه طلا و پنبه رابطه‌ای ندارند ولی برای محفوظ ماندن از دستبرد نااهلان این کار انجام می‌گیرد» (قرائتی، ۱۳۸۸، ۳۶۳/۷).

گفتنی است دیدگاه‌های مطرح‌شده تنها از باب ذکر نقل اقوال گوناگون درباره ارتباط آیه با دیگر آیات در سیاق بود که بیان گردید و روشن است که نقل این دیدگاه‌ها به منزله تائید آن‌ها نیست.

اما در میان دیدگاه‌های مطرح‌شده درباره تناسب این آیه شریفه با صدر و ذیل خود، به نظر می‌رسد که مقبول‌ترین دیدگاه، دیدگاه تفسیر الفرقان باشد که این بخش آیه شریفه را با توجه به هدف محوری سوره که عهد و پیمان‌هاست، با ماقبل و مابعد خود مرتبط کرده است و ما این تفسیر را در ترجمه تفسیری در تبیین تناسب آیه، مورد توجه قرار داده‌ایم (ر.ک: صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ۷۳/۸-۷۲).

پیش از بیان دیدگاه تفسیری صاحب الفرقان، نگاهی به هدف محوری سوره مائده خواهیم داشت.

۳-۱. نگاهی به هدف محوری سوره مائده

هدف و غرض اصلی سوره مائده همان‌گونه که علامه طباطبایی (ره) در ابتدای تفسیر سوره بیان می‌کند، دعوت مردم به وفاداری به پیمان‌ها است، خواه پیمان‌هایی که مردم با یکدیگر دارند و خواه پیمان‌هایی که خداوند به صورت امر و نهی با مردم بسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۵۷/۵).

چنانکه در تفاسیر و بر اساس برخی روایات تفسیری، این سوره به نام سوره «عقود» نیز نامیده شده است (سخاوی، ۱۴۱۹، ۱۹۷/۱؛ ابن عرفة، ۲۰۰۸، ۸۰/۲؛ بقاعی، ۱۴۲۷، ۳۸۴/۲)؛ بنابراین از ابتدای سوره، به صورت‌های گوناگونی به وفای به عهد سفارش شده و پیمان‌شکنی مذمت شده است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

در برخی آیات این سوره، خطاب مستقیم به اهل کتاب صورت گرفته است؛ آیاتی که با یادآوری پیمان‌های الهی و تعهداتی که آنان نسبت به ایمان آوردن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داشته‌اند، همراه است. در این آیات، نه تنها بر عهدشکنی‌ها و تخلفات آنان نسبت به فرامین الهی تأکید شده، بلکه پیشینه تاریخیِ مخالفت آنان با مسیر وحی نیز بازگو شده است.

این بیان، صرفاً بازخوانی یک تجربه تاریخی نیست؛ بلکه هشداری است راهبردی به مسلمانان تا نسبت به روابط خود با اهل کتاب، به ویژه یهودیان که بارها پیمان‌شکنی کرده و با دشمنان دین هم‌پیمان شده‌اند، هوشیار باشند. در بستر همین هشدار است که خداوند در آیات کلیدی و غُرَر آیات سوره –از جمله آیات ۳، ۵۵ و ۶۷– بر اصل ولایت الهی و جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اولی‌الأمر به عنوان راهبران مشروع جامعه اسلامی تأکید می‌ورزد.

بدین ترتیب، قرآن مسلمانان را به این حقیقت متذکر می‌شود که سرپرست مطلق آنان، تنها خداوند است؛ و خط ولایت، از مسیر پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان برحق او می‌گذرد؛ بنابراین، جایز نیست که مسلمانان دل به ولایت دیگران– به‌ویژه اهل کتاب – ببندند، یا با آنان پیمانی ببندند که مسیر اسلام را دستخوش آسیب سازد.

قرآن کریم، به‌ویژه در سیاق آیات ۵۱ تا ۸۶ سوره مائده، با صراحت به مسلمانان هشدار می‌دهد که یهودیان را به عنوان تکیه‌گاه، هم‌پیمان یا دوست برنگزینند و از آنان انتظار یاری و همراهی نداشته باشند؛ چراکه آنان همواره در جبهه‌ای واحد قرار داشته و در دشمنی با دین الهی متحد بوده‌اند.

در این سوره، واژه «ولی» با معانی متعددی به کار رفته است. در آیه ۵۱، این واژه به معنای «تکیه‌گاه، هم‌پیمان، یار و دوست» آمده و با هدف هشدار به مسلمانان بیان شده است که به یهود اعتماد نکنند و آنها را پشتوانه و صاحب قدرت خویش

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

ندانند؛ زیرا تاریخ آنان آکنده از پیمان‌شکنی، حتی در برابر عهد الهی است و همواره وفاداری به عهد را نقض کرده‌اند.

در مقابل، آیه ۵۵، مفهوم «ولی» را در معنای متعالی‌تری به کار می‌گیرد: سرپرستی و ولایت الهی. در این آیه، خطاب به مؤمنان آمده است که ولی و سرپرست واقعی شما تنها خدا، رسولِ او و سپس علی علیه السلام است؛ و بر اساس روایات شیعه، این ولایت در ادامه به ائمه معصومین علیهم السلام تسرّی می‌یابد.

بر این اساس، مسلمانان موظف‌اند تنها به پیمان‌های الهی پایبند بمانند، از غیر خدا فرمان نبرند و دل به ولایت بیگانگان نسپارند؛ چراکه خداوند در آیات ۳، ۵۵ و ۶۷ این سوره، خط روشن ولایت و امامت را برای امت اسلامی ترسیم کرده و معیار اطاعت و پیروی را مشخص ساخته است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که مقصود از تعبیر «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» در آغاز سوره مائده، همان «اوفوا بالعُهُود» است؛ یعنی وفاداری به پیمان‌ها و عهدهای الهی (قمی، ۱۳۶۳، ۱۶۰/۱؛ عروسی حویزی، ۱٤۱۵، ۵۸۳/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ۲۱۶/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۵/۲). این تفسیر نشان می‌دهد که آیه مزبور نه فقط به پیمان‌های اجتماعی و حقوقی، بلکه به تعهدات ایمانی و ولایی نیز نظر دارد.

در همین راستا، در روایتی از امام جواد علیه السلام نیز آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ده موضع مختلف، از مسلمانان نسبت به خلافت و ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام عهد گرفتند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله عَقَدَ عَلَيْهِمْ لِعَلِي بِالْخِلَافَةِ- فِي عَشَرَةِ مَوَاطِنَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللهُ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا- أَوْفُوا بِالْعُقُودِ الَّتِي عُقِدَتْ عَلَيْكُمْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»» (همان‌ها).

در آیه ۱۲ همین سوره، شمار نُقبای بنی‌اسرائیل دوازده نفر معرفی شده است. این عدد، بر پایه برخی روایات تأویلی –که حتی در منابع اهل سنت نیز منعکس

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

شده– به خلفای دوازده‌گانه پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تأویل شده است (برای نمونه ر.ک: ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۳۲۱/۶ و ۴۰۶)؛ بر این اساس، هشدار الهی به مسلمانان آن است که با تحقق امر ولایت، دین ایشان به کمال می‌رسد؛ از این رو نباید با پیمان‌شکنان هم‌پیمان شوند یا به آنان اعتماد کنند، بلکه باید پیوسته به پیمان‌های الهی وفادار بمانند.

۳-۲. تناسب آیه اکمال با صدر و ذیل خود بر اساس تفسیر «الفرقان» صادقی تهرانی

بر اساس تفسیر «الفرقان» اثر آیت‌الله صادقی تهرانی، آیه اکمال دین (مائده، ۳) نه تنها از نظر مضمون، بلکه از جهت ساختاری نیز با صدر و ذیل خود ارتباط تنگاتنگ دارد. وی با تأکید بر نظم توقیفی قرآن، معتقد است که جای‌گیری آیات در مصحف شریف به فرمان الهی و توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت گرفته است و از این رو، ارتباط میان آیاتِ پیش و پس از هر آیه، دارای حکمت الهی و پیام محتوایی ویژه‌ای است.

در همین چارچوب، ایشان پیوند آیه اکمال را با عبارت ابتدایی سوره، یعنی «أوفوا بالعقود» (مائده، ۱) تبیین می‌کند و بر این باور است که یکی از مهم‌ترین مصادیق این «عقود» – و بلکه برترین آنها – عقدِ ولایت اهل بیت علیهم السلام است. از منظر وی، ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مثابه پیمانی عقیدتی، سیاسی و اجتماعی، زیربنای نظام دینی و ضامن انسجام دیگر تعهدات شرعی و الهی است.

او همچنین با استفاده از ساختار تمثیلی، دین را همچون بنایی تجزیه‌ناپذیر می‌داند که اجزای مختلف آن (از جمله عبادات، سیاست، ولایت و اخلاق) در کنار یکدیگر، ساختار منسجم شریعت را شکل می‌دهند؛ و آیه اکمال، ناظر به نقطه اوج این ساختار است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ۷۳/۸–۷۲)؛ بر همین اساس، در تفسیر دیگر خود نیز تصریح می‌کند که این آیه شریفه، بیانگر پیمانی بنیادین است که

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

پاسداشت آن، حافظ و ضامن اجرای دیگر پیمان‌ها در دین است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ۱۵/۲)؛ چنانکه سید قطب نیز درباره تناسب آیه اکمال با ماقبل و مابعد خود چنین بیان می‌کند که شریعت الهی مجموعه تمامی است که جزءپذیر نیست و همه مسائل اعتقادی، عبادی، حلال و حرام، احکام اجتماعی و حکومتی همه حکم واحد دارند و در مجموع دین الهی را تشکیل می‌دهند (سید قطب، ۱۴۲۵، ۸۴۱/۲).

۳-۳. نگاهی به ترجمه‌های قرآن درباره آیه «اکمال دین»

درباره این آیه شریفه نیز همچون آیه تطهیر، در میان ترجمه‌های قرآن، تناسب آیه شریفه لحاظ نشده است و این نقص حتی در ترجمه‌های ارائه‌شده در ضمن تفاسیر وجود دارد. از جمله صادقی تهرانی که به رغم بیان نکته تفسیری فوق، در ترجمان فرقان این نکته تفسیری را لحاظ نکرده است.

شاید بتوان گفت در میان ترجمه‌ها، کامل‌ترین ترجمه‌ای که به شأن نزول آیه شریفه نیز در ضمن ترجمه اشاره‌کرده است، ترجمه انصاریان است که بدون اشاره به تناسب آیه شریفه با صدر و ذیل خود چنین ترجمه‌ای از آیه شریفه ارائه داده است:

«[خوردن مواد ناپاک که تناسبی با جسم و روح شما ندارند] بر شما حرام شده است [مانند] گوشت مردار و خون و ... [همه] این [امور] فسق و نافرمانی [از احکام خدا] ست. امروز کفرپیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده‌اند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصبِ علی بن ابی‌طالب به ولایت، امامت، حکومت و فرمانروایی بر امت] دینتان را برای شما کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم. پس هر که در حال گرسنگی شدید بی‌آنکه مایل به گناه باشد [به خوردن محرمات بیان‌شده] ناچار شود، [می‌تواند به اندازه ضرورت از آنها بهره گیرد]؛ ...»

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

دیگر ترجمه‌های قرآن نیز معمولاً تنها به ترجمه ظاهر آیه شریفه –حتی بدون اشاره به فضای نزول آیه– اکتفا نموده‌اند و بحثی نیز از تناسب آیه شریفه با صدر و ذیل آن به میان نیاورده‌اند.

۳-۴. ترجمه پیشنهادی بر اساس تفسیر مختار

حرام شده بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به غیر نام خدا ذبح شده و حیوانی که خفه شده و ... [همه] این [امور] نافرمانی [از احکام خدا و خروج از مسیر بندگی] است. [این بخشی از عهد و پیمان‌های مربوط به احکام دین و حلال و حرام‌های الهی است که در این سوره آمده است؛ ولی این را بدانید که دین تنها مختص در عهد و پیمان احکام عبادی مانند حلال و حرام‌های احکام خوراکی‌ها نیست؛ بلکه ستون و محوری بسیار مهم به نام ولایت و عهد و پیمان آن دارد که تمام محورهای دیگر، حول این ستون می‌چرخد و بر آن استوار است.] امروز کفرپیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده‌اند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصبِ علی بن ابی‌طالب به ولایت و امامت بر امّت] دینتان را برای شما کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را برایتان به عنوان آیین [جاودان] پسندیدم. [و اما در ادامه عهد و پیمان‌های مربوط به احکام خوراکی‌ها بدانید که] هر کس در حال گرسنگی شدید، بی آنکه متمایل به گناه باشد، [به خوردن محرمات یادشده] مضطرّ و ناچار شود، [مانعی ندارد که به اندازه ضرورت از آنها بخورد.] قطعاً خداوند آمرزنده [و] دارای رحمت ویژه است.

نتیجه‌گیری

آنچه بسیاری از مفسران و مترجمان قرآن را درباره آیات مشکله قرآن در بحث چگونگی دلالت و یا در بحث تناسب آیات و یا ناهمگونی ظاهری آنها، به خطا واداشته است، توجه ناکافی به موضوع سیاق آیات به ویژه جایگاه آیات در سیاق کلی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

آیات سوره است. چنانکه درباره آیات ابتدایی سوره عبس توجه ناکافی به کارکرد دو فعل «تَوَلَّی» و «تَلَهَّی» در سیاق آیات شریفه، موجب ابهامات فراوان درباره دلالت فضای آیات ابتدایی و نوع عتاب آیات شریفه شده است؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین راهبردهای رفع ناسازگاری ظاهری میان بسیاری از آیات قرآن کریم، توجه به سیاق است.

در این راستا، به‌کارگیری برخی آرایه‌های ادبی- بلاغی مانند آرایه استطراد درباره بسیاری از آیات قرآن کریم نیز به تفسیر منسجم از آیه و کشف ارتباط میان آیه و دیگر آیات در سیاق سوره کمک می‌کند.

این آرایه بلاغی و کاربرد آن به ویژه در تفاسیر، آنچنان که باید مورد شناخت کافی قرار نگرفته است، در حالی که توجه به آن در تفسیر می‌تواند پیوند بخش‌های به ظاهر پراکنده قرآن مانند آیه تطهیر و اکمال دین را -که در این پژوهش بدان‌ها پرداخته شد- روشن کند.

به نظر می‌رسد نکته مهم دیگری که به رفع این ناسازگاری ظاهری کمک می‌کند و از نگاه بیشتر مفسران و مترجمان قرآن کریم در این زمینه مغفول مانده است، آن است که به تعبیر سید جعفر مرتضی عاملی، وحدت سیاق، مستلزم وحدت موضوع و حکم نیست؛ زیرا ممکن است شیوه بیان ایجاب کند که گوینده بعضی از جنبه‌های دیگر مسئله مورد نظر را هم بیان کند اگرچه از نظر طبیعت و ماهیت با آن اختلاف داشته باشد.

بر اساس آنچه گفته شد، توجه دقیق به سیاق آیات یادشده و نیز بهره‌گیری از آرایه ادبی استطراد نشان می‌دهد که ظاهراً بهترین وجه تفسیری برای وجه تناسب آیه تطهیر با صدر و ذیل آیه، آن است که این آیه شریفه ضمن دلالت بر موضوع عصمت اهل بیت علیهم السلام، تعریضی نیز نسبت به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و گوشزد کردن جایگاه مسئولیت‌آور و وظیفه‌ساز آنان در میان خاندان عصمت و طهارت است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

و درباره آیه اکمال دین، با توجه به هدف محوری سوره مائده، این ارتباط بیانگر عقدِ ولایت مستمر اهل بیت علیهم السلام به عنوان اهم عقودی است که در آیه نخست ذکر شده و این آیه شریفه در واقع بیانگر پیمانی است که ضامن حفظ سایر پیمان‌هاست.

و درباره آیات سوره عبس نیز توجه به سیاق نشان می‌دهد که ظاهراً در آیات نخستین سوره عبس سخن از دو واقعه است، نه یک واقعه و قرینه چنین تفسیری، نوع کاربرد دو فعل «تَوَلَّی» و «تَلَهَّی» در سیاق آیات شریفه است که بیشتر مفسران و قریب به اتفاق ترجمه‌های قرآن، نسبت به تفاوت این دو فعل در سیاق آیات توجه نکرده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

* توضیحی درباره نوع ترجمه مادّه «خشیت» در آیه نهم سوره عبس: بیشتر ترجمه‌های قرآن، «خشیت» را به «بیم» و «ترس» ترجمه کرده‌اند؛ در حالی که در ترجمه این واژه باید به تفاوت آن با «خوف» توجّه داشت. «خشیت» به مفهوم «بیم همراه با آگاهی انسانی از عظمت و هیبت خداوند و نقصان خود و قصور بندگی‌اش در برابر خداست» (دانشنامه جهان اسلام، ۱۵/مدخل «خشیت»؛ ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۸، ۶۴/۳). دهخدا، آن را علاوه بر ترس و خوف و بیم، به «هراس منسوب به عظمت و مهابت» ترجمه کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، واژه «خشیت»)؛ بر این اساس، ترجمه این ماده به «ترس» که در بیشتر ترجمه‌ها آمده است، ترجمه دقیقی نیست.

** توضیحی درباره دلیل نوع ترجمه آیه دوازدهم سوره عبس: این آیه شریفه مانند آیه ۲۵۶ سوره بقره (آیه «لا إکراه») در مقام تأکید بر اجباری نبودن اصل دین در بُعدِ پذیرش قلبی است. توضیح آنکه: دین شامل یک بُعد پذیرش قلبی است که در این بُعد، نمی‌توان هیچ‌کس را مجبور به پذیرش اجباری دین کرد؛ زیرا قلب او در اختیار خود اوست و اگر به قول شهید مطهری (ره)، تمام چوب‌های دنیا را به بدن او

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

خرد کنند و او را بزنند، نمی‌توانند در او به اجبار، دوستی به وجود آورند. این وجه دین، همان است که در اسلام، از آن تعبیر به ایمان می‌شود و ایمان، اجبار بردار نیست؛ یعنی نمی‌توان مردم را مجبور کرد که مؤمن بشوند؛ زیرا اعتقاد و علاقه و مهر و محبت و گرایش باطنی را به زور نمی‌توان ایجاد کرد (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۶۶/۱۶)

این بُعد از دین که در اسلام از آن با عنوان «ایمان» یاد می‌شود، برخاسته از اعتقاد درونی و ناظر به مرحله پذیرش قلبی دین و آزادی تکوینی انسان است. در این حوزه، خداوند در آیاتی مانند یونس، ۹۹، شوری، ۴۸ و بقره، ۲۷۲، از پیامبر صلی الله علیه و آله سلب مسئولیت می‌کند و هدایت را به خود نسبت می‌دهد. هدایت در این آیات از نوع هدایت تکوینی خاص است که پس از پذیرش هدایت تشریعی، خداوند توفیق هدایت بیشتر را نصیب بندگان شایسته می‌کند: «وَ الَّذینَ اهْتَدَوْا زادَهُمْ هُدیً وَ آتاهُمْ تَقْواهُمْ» (محمد، ۱۷).

در برابر این بُعد، دین بخش دیگری نیز دارد که ناظر به تشریع قوانین اجتماعی، احکام، سیاست و اخلاق است. دین صرفاً امر قلبی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای جامع برای تنظیم زندگی فردی و اجتماعی انسان است. احکامی چون امر به معروف، نهی از منکر و جهاد نشانگر آن است که اسلام دارای ساختار حکومتی و اجتماعی نیز هست.

بنابراین، آیات ناظر بر آزادی عقیده مانند عبس، ۱۲ یا بقره، ۲۵۶، تنها نافی اجبار در حوزه باورهای قلبی‌اند و منافاتی با الزامات قانونی و اجتماعی دین ندارند. همان‌گونه که در جوامع بشری، رعایت قوانین حتی بدون باور قلبی الزامی است، در جامعه دینی نیز اجرای احکام اجتماعی دین لازم است و بر عهده حاکم اسلامی است که بر آن نظارت و اهتمام داشته باشد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

در مجموع، در حوزه ایمان، دین شخصی و آزادانه است؛ ولی در حوزه عمل و قانون، اجتماعی و الزام‌آور است. آیات عبس، ۱۲ و بقره، ۲۵٦ ناظر به بُعد نخست‌اند که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به اجبار نیست.

به همین مناسبت ترجمه‌ای مناسب نیز در این جا از آیه «لا إکراه» ارائه می‌گردد:

«هیچ اکراه و اجباری در [پذیرشِ قلبیِ] دین نیست؛ [و قلبِ کسی را نمی‌توان وادار به پذیرشِ دین کرد؛ زیرا باورهای باطنی و قلبی – برخلافِ حدود و قوانین اجتماعی – اجبار بردار نیست؛ و از سویی مشیّت الهی بر هدایت اجباری و سلبِ اختیار از آدمیان در قبول دین، تعلّق نگرفته است و سنّت خدا در پذیرشِ ایمان اختیاری است؛ و لذا حتی تو ای پیامبر! نمی‌توانی قلبِ مردم را مجبور به پذیرشِ دین کنی؛ زیرا قلب آن‌ها در اختیار خود آن‌هاست و تا خود نخواهند مؤمن نمی‌شوند]؛ بی‌تردید، راه درست رسیدن به حقیقت [و کمال] از راه نادرست انحرافی مشخص شده است؛ پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، قطعاً به استوارترین دستاویز [نجات] که هیچ گسستنی ندارد، چنگ زده است؛ و خداوند بسیار شنوا [و] داناست» (بقره، ۲۵۶).

منابع

***قرآن کریم**

۱. آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا، ۱۳۷۷ش، **کلمة الله العلیا**، تهران: اسوه.

۲. آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۷٤ش، **ترجمه قرآن**، تهران: سروش، چاپ چهارم.

۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱٤۱٦ق، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقیق: غضبان، عامر و دیگران، بیروت: مؤسسة الرسالة.

٤. ابن عرفة، محمد بن محمد، ۲۰۰۸م، **تفسیر ابن عرفة**، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

۵. ارفع، کاظم، ۱۳۸۱ش، **ترجمه قرآن**، تهران: فیض کاشانی.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

٦. اشکوری، محمد بن علی، ۱۳۷۳ش، **تفسیر شریف لاهیجی**، تصحیح: محدث، جلال‌الدین، تهران: دفتر نشر داد.
۷. اقبال، ابراهیم و دبونی، سیده نفیسه، ۱۳۹۸ش، «**آرایه استطراد و تأثیر آن در تفسیر آیات قرآن کریم**»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، صص ۲٤٥–۲۸۳.
۸. الهی قمشه‌ای، مهدی، ۱۳۸۰ش، **ترجمه قرآن**، قم: فاطمه الزهراء، چاپ دوم.
۹. انصاریان، حسین، ۱۳۸۳ش، **ترجمه قرآن**، قم: اسوه.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱٤۱٥ق، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیة.
۱۱. بقاعی، ابراهیم بن عمر، ۱٤۲۷ق، **نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور**، تحقیق: مهدی، عبدالرازق غالب، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ سوم.
۱۲. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳٥۷ش، **ترجمه قرآن**، تهران: جاویدان، چاپ پنجم.
۱۳. پورجوادی، کاظم، ۱٤۱٤ق، **ترجمه قرآن**، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
۱٤. حسینی عاملی، سید جعفر مرتضی، ۱۳۹٦ش، **اهل بیت فی آیه التطهیر: دراسة و تحلیل**، قم: مرکز نشر و ترجمه آثار علامه محقق سید جعفر مرتضی عاملی.
۱٥. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، بی‌تا، **تفسیر روح البیان**، بیروت: دارالفکر.
۱٦. بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، **دانشنامه جهان اسلام**.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷ش، **لغت‌نامه**، زیر نظر: معین، محمد و شهیدی، سید جعفر، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. سخاوی، علی بن محمد، ۱٤۱۹ق، **جمال القرّاء و کمال الإقراء**، تحقیق: سیف القاضی، عبدالحق عبدالدایم، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.
۱۲. سید قطب، ۱٤۲٥ق، **فی ظلال القرآن**، بیروت: دار الشروق، چاپ سی‌وپنجم.
۱۳. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۸۸ش، **ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم**، قم: شکرانه.
۱٤. صادقی تهرانی، محمد، ۱٤۰٦ق، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة**، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۱٥. صفوی، محمدرضا، ۱۳۸۸ش، **ترجمه قرآن بر اساس المیزان**، قم: دفتر نشر معارف.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۸ش، **قرآن در اسلام**، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ سوم.

۱۷. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تصحیح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله؛ رسولی، هاشم، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.

۱۹. طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹ش، **أطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: نشر اسلام، چاپ دوم.

۲۰. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱٤۱۵ق، **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق: رسولی محلاتی، سید هاشم، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.

۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، **التفسیر (تفسیر العیاشی)**، تحقیق: رسولی، هاشم، تهران: مکتبة العلمیة الإسلامیة.

۲۲. فولادوند، محمدمهدی، ۱٤۱۸ق، **ترجمه قرآن**، تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم.

۲۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵ق، **تفسیر الصافی**، مقدمه و تصحیح: اعلمی، حسین، تهران: مکتبة الصدر، چاپ دوم.

۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸ش، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.

۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، **تفسیر القمی**، تحقیق موسوی جزایری، طیب، قم: دار الکتاب، چاپ سوم.

۲٦. گرمارودی، سید علی، ۱۳۸٤ش، **ترجمه قرآن**، تهران: انتشارات قدیانی، چاپ دوم.

۲۷. کاویان‌پور، احمد، ۱۳۷۲ش، **ترجمه قرآن**، تهران: اقبال، چاپ سوم.

۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱٤۰۳ق، **بحار الأنوار**، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ دوم.

۲۹. مستفید، حمید رضا، ۱۳۹۰ش، **اجزاء ۲۶ تا ۳۰ قرآن کریم با ترجمه و توضیحات لغوی ادبی**، تهران: حنیف، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.

۳۰. مشکینی، علی، ۱۳۸۱ش، **ترجمه قرآن**، قم: الهادی، چاپ دوم.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۳۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.

۳۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲ش، **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**، قم: صدرا، چاپ هشتم.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (جمعی از نویسندگان)، ۱۳۷۱ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم.

۳٤. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش، **ترجمه قرآن**، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم.

۳۵. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، ۱۴۰۹ق، **مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (سبزواری)**، بی جا: دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری، چاپ دوم.

۳۶. واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱ق، **اسباب نزول القرآن**، تحقیق: زغلول، کمال بسیونی، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

۳۷. هادیان رسنانی، الهه، ۱٤۰۲ش، **قرآن مبین: ترجمه و توضیحات تکمیلی**، تهران: نشر مکین.

۳۸. یاسری، محمود، ۱٤۱۵ق، **ترجمه قرآن**، تحقیق: حائری تهرانی، مهدی، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]